

## هو الله تعالى

نورچشما این فقره را از قول من در خاکپای مبارک عرض کن که من مدت سی سال در درب خانه خاقان مغفور از خدماتی که به مرحوم نایب السلطنه می‌کردم مقصود من این بود که در حقیقت خدمتی بسرکار اقدس روحی فدا کرده باشم و خدماتی که بخود سرکار اقدس روحی فداه بعد از فوت نایب السلطنه مرحوم کردم و بی‌مضایقه از جان و مال گذشتم طالب این بودم که در ایام دولت چنین پادشاه ذی‌جاه، صاحب عزت و آبرو باشم و ثمری که از عمر و خدمات خود دیده‌ام که خداوند عالم مرحمت فرموده است همان سلطنت سرکار اقدس اعلی روحی فداه است. حالا اگر بعد از فضل خدا و از تصدق سر سرکار اقدس اعلی روحی فداه و بغداد از پنجاه سال عمر، سرکار اقدس روحی فداه مرا در میان کل عالم دور از حضور بخواهند حق این است که من این زندگی را نمی‌خواهم. بعد از همه خدمات و مرارت سرکار اقدس روحی فداه از من نظم مملکت خراسان را خواستند. چرا بایست با آنهمه مرارت خدمت در مملکت ایران شهرت کند که فلان کس را از خدمت حضور دور خواستند. با وجود اینکه نظم این مملکت را خواستند و از خدمت حضور دور فرمودند، در نظم این مملکت بهر قسمی که مصلحت دولت و پیشرفت کار میدانستم، بعد از فضل خدا و قوت طالع پادشاهی روحی فداه، بآن طوری که بخاطر هیچکس نمی‌رسید که باین زودی کار این مملکت از پریشانی درآید و خائن‌ها خادم شوند، معمول داشتم و بحمدالله منتظم شدند. این نیست که این استعدادی که در خراسان بود باعث این شد که امر این مملکت باین زودی منتظم شود. بذات پاک خدا و بسرمبارک سرکار اقدس اعلی روحی فداه قسم است که دو چیز مایه انتظام این مملکت شد یکی توجه سلطان مشرق و مغرب حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیه در کارهای سرکار اقدس

روحی فداه و دیگر قوت طالع سرکار اقدس روحی فداه بود و بس والا از والی  
و امثال والی و ما نو کرها و پنجاه هزار لشکر و صد هزار تومان پول نقد خیلی  
که سعی میکردند در دو سال این امر منتظم می شد نه در یکماه. شکر گذاری  
[ کذا ] این فقره در درگاه جناب اقدس الهی بسرکار اقدس اعلی روحی فداه  
لازم است که در وقتهای خاص که خاصه سرکار اقدس روحی فداه است شکر  
این فقره را بفرمایند . «